



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Evaluating Health and Hygiene Considerations in the Liquidation of Joint Stock Companies From the Perspective of Iranian and English Law

Mohammad Ali Ahmadipoor¹, Sattar Zarkalam^{1*}, Heidar Hasanzadeh¹

1. Department of Private Law, Faculty of Law, Tehren-e-Markazi Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Health and hygiene considerations refer to considerations that a joint stock company has caused damage or losses to public or personal health due to acts that are against the law, contract or custom and now, at the time of liquidation, it must compensate these creditors for the damages proportionate to them. These joint stock companies are generally active in areas that are related to public health. This issue is also raised as a civil rights issue. Liquidation of joint stock companies means ending their legal personality. Therefore, it can have several effects on society and businessmen. The more orderly and rapid the liquidation process is, the better the interests of all are secured, which also depends on having a suitable liquidator. In most legal systems, the liquidator has similar duties and competencies and the main difference is in their enforcement guarantees and flexibility.

Method: The present study, which has been written in a descriptive-analytical manner using library resources, seeks to compare the powers and competencies of the liquidator in Iranian and English law and, in this way, better illustrate the challenges and solutions of the Iranian legal system.

Ethical Considerations: This research has been written based on adherence to confidentiality, non-plagiarism, originality and non-discrimination.

Results: The findings indicate that Iranian and English law consider the powers of liquidators to be information, liquidation, distribution of assets and attention to current transactions. In English law, unlike Iranian law, there are more transparency tools, access to information and guarantees of the liquidator's performance of duties than in Iranian law, so that in this country the liquidator is required to send all the documents and evidence in his possession to creditors and shareholders and creditors have the right to refer to the liquidator for access to these documents at any time they wish.

Conclusion: In England, unlike Iranian law, the presence of a supervisor alongside the liquidator is mandatory and the supervisor must regularly prepare and provide reports on all liquidation operations to the beneficiaries. Although both countries consider the liquidator to be subject to the regime of responsibility for proving fault, in England, in order to further protect the interests of creditors and better accountability of the liquidator for performing his duties, the presumption of fault is placed on the manager so that the injured party does not need to prove the liquidator's fault. On the other hand, Iranian law is associated with more ambiguities and shortcomings than English law in the field of the liquidator's powers, which is more flexible and efficient in this respect due to frequent updates.

Keywords: Liquidator; Health; Hygiene; Joint Stock Company; Competence; Responsibility; Iran; England

Corresponding Author: Sattar Zarkalam; **Email:** sattarzarkalam@gmail.com

Received: October 21, 2024; **Accepted:** February 10, 2025; **Published Online:** October 30, 2025

Please cite this article as:

Ahmadipoor MA, Zarkalam S, Hasanzadeh H. Evaluating Health and Hygiene Considerations in the Liquidation of Joint Stock Companies From the Perspective of Iranian and English Law. Medical Law Journal. 2025; 19: e5.



ارزیابی ملاحظات سلامت و بهداشت در زمینه تصفیه شرکت‌های سهامی از منظر حقوق ایران و انگلستان

محمدعلی احمدی پور^۱، ستار زرکلام^{۱*}، حیدر حسن زاده^۱

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: ملاحظات سلامت و بهداشتی به ملاحظات اطلاق می‌شود که یک شرکت سهامی به دلیل اعمال خلاف قانون یا قرارداد یا عرفی که صورت داده است، به سلامت عمومی یا شخصی، خسارت یا خسارت‌هایی وارد آورده است و حال، در زمان تصفیه بایستی به این بستانکاران، جبران خسارت‌های متناسب با آن‌ها را نماید. این شرکت‌های سهامی عموماً در حوزه‌هایی فعال هستند که با سلامت عمومی مرتبط است. این موضوع به عنوان یک مسأله حقوق شهروندی نیز مطرح است. تصفیه شرکت‌های سهامی به منزله پایان‌بخشیدن به شخصیت حقوقی آن‌ها می‌باشد. از این رو می‌تواند آثار متعددی در جامعه و تجار داشته باشد. هرچه فرایند تصفیه با نظم و سرعت بیشتری همراه باشد، منافع همگی بهتر تأمین می‌گردد که این نیز در گروی داشتن مدیر تصفیه مناسب می‌باشد. عمدتاً مدیر تصفیه در بیشتر نظام‌های حقوقی وظایف و صلاحیت‌های مشابهی دارد و تفاوت بیشتر در ضمانت اجرا و انعطاف‌پذیری آن‌ها می‌باشد.

روش: تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد نگارش قرار گرفته است، درصدد آن است که اختیارات و صلاحیت‌های مدیر تصفیه در حقوق ایران و انگلستان را با هم مقایسه نماید و از این طریق چالش‌ها و راهکارهای نظام حقوقی ایران را بهتر نمایان کند.

ملاحظات اخلاقی: این تحقیق بر اساس رعایت امانتداری، عدم سرقت علمی، اصالت و عدم تبعیض علمی به رشته نگارش درآمده است.

یافته‌ها: یافته‌های به دست آمده حکایت از آن دارد که حقوق ایران و انگلستان اختیارات مدیران تصفیه را به اطلاع‌رسانی، تصفیه، تقسیم اموال و توجه به معاملات جاری می‌دانند. در حقوق انگلستان برخلاف حقوق ایران ابزارهای شفاف‌سازی، دسترسی به اطلاعات و ضمانت اجرای انجام وظایف از سوی مدیر تصفیه نسبت به حقوق ایران بیشتر است، به نحوی که در این کشور مدیر تصفیه ملزم است تمامی اسناد و مدارکی که در دست دارد برای بستانکاران و سهام‌داران نیز ارسال نماید و بستانکاران حق دارند که هر زمانی که تمایل دارند، برای دسترسی به این مدارک به مدیر تصفیه مراجعه نمایند.

نتیجه‌گیری: در انگلستان برخلاف حقوق ایران وجود ناظر در کنار مدیر تصفیه الزامی است و ناظر باید به صورت مرتب از کلیه عملیات تصفیه گزارش تهیه و در اختیار ذی‌نفعان قرار دهد. با وجود اینکه هر دو کشور مدیر تصفیه را تابع رژیم مسئولیت اثبات تقصیر می‌دانند، در حقوق انگلستان به منظور حمایت بیشتر از منافع بستانکاران و پاسخگویی بهتر مدیر تصفیه در برابر انجام وظایف فرض را بر تقصیر مدیر قرار داده تا زبان‌دیده نیازی به اثبات تقصیر مدیر تصفیه نداشته باشد. از سوی دیگر قانون ایران نسبت به قانون انگلستان در زمینه اختیارات مدیر تصفیه با ابهامات و نواقص بیشتری توأم شده است که انگلستان به دلیل به‌روزرسانی‌های مکرر از این حیث منقطع و کارآمدتر می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدیر تصفیه؛ سلامت؛ بهداشت؛ شرکت سهامی؛ صلاحیت؛ مسئولیت؛ ایران؛ انگلستان

نویسنده مسئول: ستار زرکلام؛ پست الکترونیک: sattarzarkalam@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۰۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Zarkalam S, Hasanzadeh H. Evaluating Health and Hygiene Considerations in the Liquidation of Joint Stock Companies From the Perspective of Iranian and English Law. Medical Law Journal. 2025; 19: e5.

مقدمه

ملاحظات سلامت و بهداشت، به ملاحظات قابل اطلاق است که در صورت عدم رعایت آن، می‌توانند منتهی به انحلال یک شرکت تجاری یا تسریع یا مانع‌شدن در فرآیند تصفیه آن شوند. طبیعتاً به این علت که ملاحظات سلامت و بهداشت، در ارتباط با شرکت‌های تجاری قابل طرح است که در حوزه سلامت و بهداشت و درمان فعالیت می‌نمایند و عدم رعایت این ملاحظات می‌تواند بر عملکرد این شرکت‌ها تأثیرگذار باشد، بنابراین نمی‌توان حوزه آن را به عنوان یک حق حوزه عام در نظر گرفت. شرکت‌های تجاری فعال در حوزه سلامت و بهداشت، انواع و گروه‌بندی‌های مختلفی دارند و می‌توانند بر طبق قوانین و مقررات به اشکال مختلف شرکت‌های تجاری درآیند، البته برخی از حوزه‌های فعالیت در زمینه سلامت و بهداشت به علت حساسیت‌هایی که وجود دارد، به صورت شرکت‌های تجاری خاصی فعالیت می‌نمایند. برای نمونه شرکت‌های داروسازی بایستی به شکل شرکت‌های سهامی عام فعالیت نمایند و سهام خود را در بورس اوراق بهادار تهران نیز در معرض فروش و انتقال قرار بدهند.

تأثیرگذاری ملاحظات سلامت و بهداشت در زمینه شرکت‌های تجاری فعال در حوزه مزبور، در چند مرحله می‌باشد: اولاً در مرحله تأسیس این شرکت‌ها که بایستی لزوماً تمامی شرایط و ضوابطی که از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در ارتباط با آن‌ها مطرح شده است را برخوردار باشند و طبیعتاً در صورت عدم جابزبودن یکی از این شرایط و ضوابط نمی‌توانند تشکیل شوند. ملاحظات سلامت و بهداشت صرفاً در مرحله تأسیس و تشکیل شرکت‌های تجاری فعال در این حوزه از اهمیت برخوردار نبوده، بلکه در حوزه انحلال آن شرکت‌ها نیز تأثیرگذار است، به نحوی که در صورتی که برای نمونه بیمارستان‌ها، اقدام به تأمین وسایل مورد نیاز بیماران ننمایند، می‌توان بر اساس آیین‌نامه‌های وزارت بهداشت، یکی از ضمانت‌اجراهای مؤثر را همین انحلال دانست. در هر صورت، از بین شرکت‌های تجاری فعال در حوزه سلامت و بهداشت، تأثیر ملاحظات سلامت و بهداشت در زمینه شرکت‌های سهامی

فعال در حوزه مزبور مورد نظر است. شرکت‌های سهامی، مانند هر شخصیت حقوقی دیگر، به علل مختلف به پایان عمر و فعالیت خود می‌رسد و همان‌گونه که شخصیت حقیقی با موت از بین می‌رود، شخصیت حقوقی شرکت‌های سهامی نیز، با ختم تصفیه به پایان می‌رسد.

شرکت‌های سهامی به علل مختلفی که در لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ پیش‌بینی شده است، می‌توانند وارد امر تصفیه شوند، زمانی که تصفیه شرکت‌های سهامی ناشی از ورشکستگی باشد، امر تصفیه مطابق ماده ۲۰۰ و ۲۰۳ لایحه، تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است و دادگاه مکلف است مطابق ماده ۴۴۰ قانون تجارت در زمان صدور حکم ورشکستگی یا منتهی ظرف پنج روز، نهاد تصفیه را نیز مشخص نماید تا نهاد تصفیه به رتق و فتق امور بپردازد و چنانچه امر تصفیه در شرکت‌های سهامی مربوط به سایر علل انحلال، غیر از ورشکستگی باشد، مطابق ماده ۲۰۴ قانون اخیر، امر تصفیه بر عهده مدیر یا مدیران شرکت است و چنانچه مدیر یا مدیران شرکت به وظیفه خود عمل نکنند، در این صورت مطابق ماده ۲۰۵ قانون مع‌الذکر هر ذی‌نفعی می‌تواند از دادگاه تقاضای تعیین نهاد تصفیه را به عمل آورد. (۱). اختیارات نهاد تصفیه زمانی که شرکت‌های سهامی به علی‌غیر از ورشکستگی منحل شود، بسیار گسترده است، اما این گستردگی اختیار، زمانی که شرکت‌های سهامی به علت ورشکستگی منحل می‌شود، به اندازه‌ای محدود و دارای تشریفات اضافی شده است که گویی قانونگذار ایرانی بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه حد و مرزی، گاهی اختیارات نهاد تصفیه را توسعه و گاهی بسیار محدود نموده است که این امر، در عمل باعث بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیر و یا باعث ایجاد تشریفات زائد و اطاله امر تصفیه می‌شود. به عنوان مثال در ماده ۴۵۸ قانون تجارت این‌گونه بیان شده است که نهاد تصفیه می‌تواند تمام دعاوی مالی تاجر ورشکسته را با اجازه عضو ناظر به صلح خاتمه دهد و در قسمت پایانی ماده مذکور بیان داشته است که اگر دعوا راجع به اموال غیر منقول باشد، برای صلح آن شخص ورشکسته باید احضار شود و متعاقباً در ماده بعد دو حالت را بیان شده است که صلح نیاز به تأیید

دادگاه دارد: ۱- اگر موضوع صلح قابل تقویم نباشد؛ ۲- اگر موضوع صلح بیش از ۵ هزار ریال باشد، پس در نتیجه تمام دعاوی که نهاد تصفیه بخواهد با صلح به پایان برساند، نیازمند تأیید محکمه و قبل از آن اجازه عضو ناظر است، اما مقررات محدودکننده نسبت به نهاد تصفیه به اینجا ختم نمی‌شود، زیرا در قسمت پایانی ماده ۴۵۹ قانون تجارت اینچنین بیان شده است که زمانی که دادگاه بخواهد صلح‌نامه نهاد تصفیه را تأیید نماید، دادگاه مکلف است تاجر ورشکسته را نیز احضار نماید و چنانچه تاجر ورشکسته نسبت به صلح‌نامه اعتراضی داشته باشد، به اعتراض او نیز رسیدگی می‌شود و چنانچه اعتراض او نسبت به صلح‌نامه‌ای باشد که راجع به اموال غیر منقول بوده است، در این صورت اعتراض ورشکسته موجب جلوگیری از اجرای صلح می‌شود تا آنکه دادگاه تکلیف صلح را معین نماید، اما زمانی که شرکت‌های سهامی به دلایلی غیر از ورشکستگی وارد امر تصفیه می‌شوند، اختیارات وسیعی به مدیر تصفیه اعطا شده است (۲). در ماده ۲۱۲ لایحه قانون اصلاحی قسمتی از قانون تجارت، در اقدامی عجیب، اختیارات وسیعی به مدیر تصفیه در شرکت‌های سهامی داده شده است تا مدیر تصفیه بتواند بدون هیچ‌گونه تأیید و نظارتی از مراجع قضایی، تمام امور تصفیه را رتق و فتق نماید و حتی اگر لازم باشد، اختلافات شرکت را به صلح خاتمه دهد و حتی بیان شده است که محدودنمودن اختیارات مدیر تصفیه باطل و کان لم یکن است. به نظر می‌رسد که لازم است به منظور حمایت از اشخاص ذی‌نفع و جلوگیری از اطاله زمان تصفیه، راهی میانه اتخاذ شود تا ضمن رعایت حقوق اشخاص ذی‌نفع، از اطاله زمان تصفیه نیز جلوگیری به عمل آید و همچنین مقرراتی پیش‌بینی شود تا باعث آسیب به حقوق آن‌ها نشود و دادن اختیار مطلق به نهاد تصفیه‌ای که توسط شرکت انتخاب می‌شود، می‌تواند باعث آسیب به حقوق ذی‌نفعان شود که می‌بایستی مورد بازنگری قرار گیرد (۳).

اما در حقوق انگلستان مقررات منسجم‌تری مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که شیوه‌های انحلال در قوانین شرکت‌های تجاری مطابق مواد ۸۴ و ۱۲۲ قانون ورشکستگی مصوب ۱۹۸۶ به

سه شیوه انحلال اجباری، اختیاری و انحلال با نظارت دادگاه پیش‌بینی شده است، زمانی که شرکت توسط شرکا منحل می‌شود، مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی منصوب می‌شود و زمانی که شرکت توسط دادگاه منحل می‌شود، امین منصوب دادگاه، عهده‌دار امر تصفیه می‌شود و حتی در مواردی برای حفظ دارایی شرکت، امین موقت توسط دادگاه منصوب می‌شود، اما با شروع انحلال، به طور کلی سیاست‌ها و اهداف مانند یکدیگرند، از جمله باید تضمین شود که کلیه طلبکاران به طور یکسان و بدون اولویت به طلب خود خواهند رسید و نتیجه نهایی تصفیه خاتمه‌دادن به حیات شرکت است و امین منصوب از طرف دادگاه به سمت مدیر تصفیه شرکت منصوب می‌گردد که مدیر تصفیه باید یک شخص حقیقی باشد که صلاحیت و دانش کافی را داشته باشد، همانند آنچه که در حقوق ایران بیان شد. در حقوق انگلیس وظیفه مدیر تصفیه این است که دارایی شرکت را جمع‌آوری نماید و تحت کنترل خویش بین کسانی که محق به دریافت هستند، تقسیم نماید. مطابق ماده ۱۶۰ قانون ورشکستگی سال ۱۹۸۶ و سایر قوانین و رویه‌ها، اختیارات وسیع و گسترده‌ای به مدیر تصفیه در جهت تصفیه شرکت اعطا گردیده است که با آنچه که در مقررات ایران بیان شد، کاملاً متفاوت است و وظایف شفاف‌تر و اختیارات وسیع‌تری به مدیر تصفیه اعطا شده است.

سؤالاتی که در این تحقیق مطرح هستند: اولاً این است که ملاحظات سلامت و بهداشت، چه تأثیری بر روند تصفیه شرکت‌ها در هر یک از نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان دارند؟ ثانیاً چه تمایزهایی در زمینه تأثیرگذاری ملاحظات سلامت و بهداشت بر روند تصفیه شرکت‌ها در هر یک از نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان وجود دارند؟ فرضیاتی که در برابر این سؤالات قرار می‌گیرند، عبارتند از اینکه اولاً در بسیاری از موارد، کارکردهای شرکت‌ها در حوزه بهداشتی و سلامت است برای نمونه بیمارستان‌ها، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات بهداشتی، درمانگاه‌ها، کلینیک‌ها و عدم رعایت ملاحظات سلامت و بهداشت یا عدم تضمین این ملاحظات در کارکردها و فعالیت‌های شرکت‌ها، می‌تواند منتهی به انحلال

سلامت و بهداشت در انحلال شرکت‌ها یا حتی رویکرد نظام حقوقی انگلستان نسبت به انحلال شرکت‌ها نشده است.

روش

تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد نگارش قرار گرفته است، درصدد آن است که اختیارات و صلاحیت‌های مدیر تصفیه در حقوق ایران و انگلستان را با هم مقایسه نماید و از این طریق چالش‌ها و راهکارهای نظام حقوقی ایران را بهتر نمایان کند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

یافته‌های به دست آمده حکایت از آن دارد که حقوق ایران و انگلستان اختیارات مدیران تصفیه را به اطلاع‌رسانی، تصفیه، تقسیم اموال و توجه به معاملات جاری می‌دانند. در حقوق انگلستان برخلاف حقوق ایران ابزارهای شفاف‌سازی، دسترسی به اطلاعات و ضمانت اجرای انجام وظایف از سوی مدیر تصفیه نسبت به حقوق ایران بیشتر است، به نحوی که در این کشور مدیر تصفیه ملزم است تمامی اسناد و مدارکی که در دست دارد برای بستانکاران و سهام‌داران نیز ارسال نماید و بستانکاران حق دارند که هر زمانی که تمایل دارند، برای دسترسی به این مدارک به مدیر تصفیه مراجعه نمایند.

بحث

۱. نقش ملاحظات سلامت و بهداشت در انواع تصفیه شرکت‌های سهامی از منظر نظام حقوقی ایران و انگلستان: سلامت یکی ارزش‌ها و نیازهای بنیادین هر انسانی بوده و یک حق پذیرفته شده است که هم در مکاتب الهی و هم در اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های

ارادی و قهری شرکت‌های مزبور شود و این موضوع هم در نظام حقوقی ایران و هم در نظام حقوقی انگلستان مورد پذیرش قرار گرفته است؛ ثانیاً در ارتباط با فرضیه دوم که چه تمایزهایی در زمینه تأثیرگذاری ملاحظات سلامت و بهداشت بر روند تصفیه شرکت‌ها در هر یک از نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان وجود دارد، بایستی به این گزاره اشاره نمود که تمایزهای مبنایی، شکلی و ماهوی بین رویکرد این دو نظام حقوقی وجود دارد.

در ارتباط با پیشینه تحقیقاتی که در این خصوص، صورت پذیرفته‌اند، می‌توان اشاره داشت که تحقیقی که به صورت تطبیقی و خاص به موضوع تأثیرگذاری ملاحظات سلامت و بهداشت بر روند تصفیه شرکت‌ها در نظام حقوقی ایران و انگلستان به رشته تحریر درآمده باشد، نگاشته نشده است. با این حال، می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود که هر یک از آن‌ها واجد تمایزهایی با موضوع مقاله حاضر هستند:

۱- ناظمی‌زاده، پاسبان و رادان (۱۴۰۱ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی فرآیندها و چالش‌های بازسازی شرکت‌های تجاری در حقوق ایران و دیگر کشورها» به این موضوع پرداخته‌اند که در صورتی که یک شرکت تجاری دچار انحلال شود و مؤسسين یا صاحبان سهام آن مجدداً تصمیم به بازسازی آن شرکت بگیرند، روند بازسازی به چه صورت هم از منظر نظام حقوقی ایران و هم از منظر نظام‌های حقوقی دیگر صورت می‌پذیرد. با این حال، این مقاله به موضوعات بهداشتی و سلامت در زمینه انحلال شرکت‌ها توجهی نداشته است.

۲- یعقوبی مقدم و پاسبان (۱۴۰۰ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «انحلال شرکت‌های تجاری» به این موضوع پرداخته‌اند که رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به انحلال شرکت‌های تجاری به چه صورت است؟ در این راستا، قید شده است که انحلال شرکت‌های تجاری به سه صورت انحلال ارادی، انحلال قهری و انحلال ناشی از حکم دادگاه تقسیم می‌شود. با این حال، هر انحلالی لزوماً به ورشکستگی منتهی نمی‌گردد. در ادامه به مواد ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱ و ۲۰۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت به عنوان منبع قانونی انحلال شرکت‌ها اشاره شده است. با این حال، در این مقاله هیچ اشاره‌ای به ملاحظات

سازمان بهداشت جهانی مندرج شده است. حفظ و ارتقای سلامت علاوه بر اینکه یکی از مسئولیت‌های فردی، حاکمیتی و اجتماعی است، یک مسئولیت سازمانی و از جمله بر عهده شرکت‌ها است، ضمن اینکه یکی از پیش‌شرط‌های توسعه پایدار، تضمین و تأمین حق بر سلامت از طریق ذی‌نفعان مختلف، از جمله شرکت‌ها در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، بر اساس استانداردهای بین‌المللی، دولت‌ها نیز بایستی از طریق شکل‌دهی به یک نظام مشارکتی، یک موقعیت مشارکتی را پدید آورند که تمامی ذی‌نفعان، از جمله شرکت‌های فعال در حوزه سلامت و درمان در آن نقش‌آفرینی نمایند (۴).

اهمیت حق بر سلامت و ملاحظات سلامت و بهداشت آنچنان بوده است که چندین اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصول ۲، ۳، ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی به این موضوع اشاره نموده است و حتی به این نکته تأکید شده است که سلامت یکی از حقوق و نیازهای بنیادین مردم است و دولت را ملزم به حمایت از این حق نموده است.

پرداختن به تأثیرگذاری سلامت بر شرکت‌های سهامی که در حوزه سلامت و درمان فعالیت می‌نمایند، از چند نظر از اهمیت برخوردار است اولاً اینکه این شرکت‌ها نقش اصلی را در زمینه تولیدات سلامت و درمان بر عهده دارند، به شکلی که تولیدات محصولات دارویی و درمان که بتوانند به نحو مؤثرتری به درمان بیماری‌ها و پیشگیری از آن‌ها بیانجامد، همواره مورد تأکید بوده است و بالعکس آن در مواردی که این تضمین حاصل نشود یا اینکه محصولات دارویی تولید شود که نتواند به نحو مطلوب و مؤثری به درمان بیماری‌ها یا پیشگیری از آن کمک نماید، می‌تواند از موارد انحلال و تصفیه شرکت‌ها باشد؛ ثانیاً زمانی که یک شرکت سهامی فعال در حوزه سلامت و درمان، کالاها و خدماتی را ارائه می‌نماید که مخل سلامت و بهداشت کشور است، این اختلال در سطح گسترده بوده و تصفیه هر چه سریع‌تر یک شرکت می‌تواند در جهت احقاق حقوق بستانکاران انجامد.

۱-۱. تصفیه ارادی: ملاحظات سلامت و بهداشت در زمینه انحلال شرکت‌ها چند نقش عمده ایفا می‌نماید، به ویژه در شرکت‌هایی که مبادرت به ارائه خدمات بهداشتی و سلامت می‌پردازند: اولاً اینکه در صورتی که در اساسنامه شرکت‌های تجاری، قید شده باشد که به منظور ارائه خدمات بهداشتی و سلامتی خاصی برای نمونه واردات تجهیزات پزشکی ایجاد شده‌اند و سپس از این هدف منحرف شوند و تجهیزات پزشکی را به منظور اهداف دیگری به جز ارائه در بازار وارد نمایند، این قید در قوانین و مقررات وجود دارد که از مواردی است که منتهی به این خواهد شد که مؤسسين شرکت باید اقدام به انحلال ارادی شرکت نمایند؛ ثانیاً یکی دیگر از موارد انحلال شرکت‌های تجاری با توجه به ملاحظات سلامت و بهداشت، در مواردی است که شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات سلامت و بهداشت، نتوانند الزامات قانونی در زمینه افزایش سرمایه یا کاهش سرمایه را رعایت نمایند. برای نمونه یک بیمارستان که بر اساس سطح‌بندی و درجه‌بندی وزارت بهداشت، در درجه دو ارائه خدمات قرار می‌گیرد، در صورتی که درصدد این باشد که در سطح یک خدمات قرار بگیرد، بایستی افزایش سرمایه بدهد که در صورت عدم این موضوع، بایستی منحل ارادی شود (۵).

تصفیه ارادی یکی از مواردی است که در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدان اشاره شده است. برای نمونه می‌توان به «آیین‌نامه نحوه تأسیس و بهره‌برداری بیمارستان‌ها» اشاره نمود، از جمله در ماده ۵ این آیین‌نامه تصریح شده است که آغاز به کار و بهره‌برداری و ادامه فعالیت هر بیمارستان عمومی یا تخصصی منوط به راه‌اندازی بخش‌های مختلف بیمارستان‌ها، فوریت‌های پزشکی و کارکنان پزشکی و پیراپزشکی صورت می‌پذیرد (۶). در غیر این صورت، امکان ادامه فعالیت بیمارستان به عنوان یک شرکت سهامی عام امکان‌پذیر نبوده و می‌توان گفت که به صورت ضمنی، در ماده ۵ این آیین‌نامه، تصفیه ارادی پیش‌بینی شده است. انحلال شرکت می‌تواند به تصفیه آن منتهی شود یا اینکه انحلال بدون تصفیه رخ دهد. رابطه میان

انحلال و تصفیه رابطه عموم و خصوص مطلق است. از سوی دیگر حکم توقف می‌تواند به واسطه تصفیه باشد، اما لزوماً همه تصفیه‌ها به دلیل ورشکستگی نیست؛ بنابراین میان ورشکستگی و تصفیه شرکت‌های تجاری نیز رابطه عموم و خصوص مطلق می‌باشد. تصفیه در نظام‌های حقوقی اهمیت زیادی دارد. شیوه تصفیه آن در تحقق حقوق بستانکاران و شرکت‌های تجاری اهمیت دارد. شیوه وصول مطالبات هنگامی که طلبکاران متعددی در میان باشند و دارایی بدهکار تکافوی دیونش را نکند، منجر به اشکالاتی می‌شود. در چنین شرایطی هر طلبکار تلاش خواهد نمود که زودتر از بقیه طلبش را وصول کند. این رقابت میان طلبکاران می‌تواند منتهی به تجزیه دارایی‌های شرکت و نقصان در ارزش آن برای همه طلبکاران شود، لذا نفع جمعی طلبکاران اقتضا می‌نماید که تملک دارایی بدهکار به شکلی منظم، از مجرای نظام ورشکستگی انجام شود. اصولاً اشخاص قادرند که نظام ورشکستگی را خودشان ساماندهی کنند، یعنی یک بدهکار می‌تواند ضمن قرارداد قرض مقرر نماید که عدم پرداخت بدهی چه عواقبی داشته باشد. با این وجود چه بسا تنظیم چنین قراردادی با توجه به اینکه ممکن است روز به روز بر دارایی و گرمای بدهکار افزوده شود، دشوار باشد. علاوه بر این، شواهد تجربی، از جمله این واقعیت که شرکت‌ها به ندرت چنین قراردادهایی تنظیم می‌کنند و هم اینکه تقریباً همه کشورهای دارای حداقل نظام ورشکستگی ساده قانونی هستند، حاکی از آن است که نمی‌توان عملاً بر راه حل «خصوصی» اتکا نمود. به عبارت دیگر برای دولت‌ها تردیدی در لزوم تدارک دیدن یک نظام ورشکستگی «کاربردی»، یعنی نظامی که طرفین بتوانند در صورتی که خودشان ترتیبات خاصی مقرر نکرده باشند، از آن استفاده کنند، وجود ندارد (۷).

۲-۱. **تصفیه قانونی:** تصفیه قانونی مهم‌ترین نوع تصفیه در شرکت‌های فعال در حوزه بهداشت و سلامت تلقی می‌شود. در برخی از اسناد به این نوع تصفیه برای شرکت‌های مزبور اشاره شده است. برای نمونه می‌توان به ماده ۳۳ آیین‌نامه

بهره‌برداری از بیمارستان‌ها مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اشاره داشت که تصریح می‌دارد که چنانچه مسئولان بیمارستان از ضوابط ابلاغی این آیین‌نامه و سایر دستورالعمل‌های وزارت بهداشت، تخطی نمایند، پس از اینکه ضمانت اجراهای مندرج در بندهای «الف»، «ب» و «ج» این ماده یعنی تذکر، اخطار کتبی و تنزل یک درجه ارزشیابی، در مورد آن‌ها اعمال گردید، تعطیل می‌شوند که معادل همان انحلال و سپس تصفیه است، البته بدیهی است که انحلال و سپس تصفیه قانونی بیمارستان‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین شرکت‌های درمانی در قوانین ایران، زمانی واقع می‌شود که یکی از مقررات مندرج در حوزه بهداشتی و سلامتی همچون عدم تفکیک زباله‌های بیمارستانی از سایر زباله‌ها، عدم برخورداری از کادر متخصص و... به صورت مستمر صورت پذیرد، البته مشروط به اینکه ضمانت اجراهای دیگری که در این آیین‌نامه پیش‌بینی شده است، محقق شود.

البته نکته‌ای که وجود دارد، این است که با توجه به ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی که یکی از ضمانت اجراها در ارتباط با شخص حقوقی را انحلال و مصادره اموال می‌داند، بایستی توجه داشت که تصفیه قانونی در مواردی که عملکرد شخص حقوقی فعال در حوزه سلامت و درمان، جنبه مجرمانه نداشته باشد؛ در غیر این صورت بر طبق مقررات ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عمل می‌گردد، البته ضمانت اجرای کیفری مزبور در صورتی اعمال می‌شود که شخص حقوقی فعال در زمینه امور بهداشتی و سلامت، در زمان حاکمیت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در حال تعقیب کیفری‌شدن باشد یا مرتکب جرم شده باشد. در صورت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فعال در زمینه امور بهداشتی و سلامت، دیگر به مقررات مربوط به تصفیه قانونی عمل نمی‌شود (۸).

اگر شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون خود نباشد و خود رأساً به توقف خود اقدام نکند، هر یک از متقاضیان می‌توانند از طریق دادگاه آن را درخواست نمایند (۹). همانطور که تاجر در بسیاری از فعالیت‌های تجاری خود به سود و منفعتی دست یافته و سرمایه‌اش فزونی می‌یابد، ولی در مواردی ممکن است نه‌تنها سودی به دست نیاورد، بلکه متحمل ضررهایی هم شود

که پیامد آن می‌تواند باعث فزونی‌گرفتن دیون تاجر از دارایی‌اش و در نتیجه توقف و ورشکستگی او شود و حتی در اغلب موارد وضعیت اقتصادی دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حقوق اسلام از همان ابتدا نسبت به کسی که از پرداخت بدهی عاجز بود، از بدرفتاری خودداری می‌شد، به طوری که خداوند در قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۸۰ می‌فرماید: «اگر بدهکار قدرت پرداخت نداشته باشد، به او مهلت دهید تا توانگر گردد و اگر در هنگام تنگدستی به رسم صدقه ببخشید، برای شما بهتر است، اگر بدانید.» در این راستا قرارداد ارفاقی پدیده‌ای حقوقی است که منحصر به حقوق تجارت و تجار می‌باشد (۱۰).

تصفیه قانونی و ارتباط آن با ملاحظات سلامت و بهداشت، از چند منظر است اولاً اینکه تخلفاتی یا جرائمی در زمینه ارائه خدمات شرکت‌های دارویی و پزشکی صورت بگیرد. برای نمونه ارائه خدمات نامطلوب بیمارستانی یا درمانگاهی، از جمله عدم استفاده از پزشک متخصص، یکی از مواردی است که در صورت استمرار موجب انحلال و تصفیه قانونی یک شرکت می‌شود که اثر این ملاحظات صرفاً ملاحظات سلامت و بهداشت بوده است؛ ثانیاً یکی دیگر از موارد انحلال و تصفیه قانونی شرکت‌ها در اثر تأثیرگذاری ملاحظات بهداشت و سلامت، در ارتباط با منافع عمومی ناظر بر سلامت و بهداشت است، به نحوی که در صورتی که عدم ارائه خدمات سلامت و بهداشتی از سوی شرکت‌ها موجب شود که نظم عمومی در حوزه سلامت و بهداشت مختل گردد، از موارد تصفیه و انحلال قانونی شرکت‌ها است (۱۱).

۲. فرآیند تأثیرگذاری ملاحظات بهداشت و سلامت در زمینه مراحل مختلف تصفیه شرکت‌های سهامی در نظام حقوقی ایران و انگلستان: تصفیه شرکت‌های سهامی فعال در حوزه سلامت و درمان هم در نظام حقوقی ایران و هم در نظام حقوقی انگلستان، سازوکارهای خاص و افتراقی دارد. برای نمونه در نظام حقوقی انگلستان، لزوماً بایستی یک نماینده از بخش درمان در زمینه تصفیه شرکت‌های سهامی فعال باشد و در صورت عدم حضور یا مشارکت این چنین

نماینده‌ای، امکان تصفیه شرکت سهامی فعال در این بخش وجود ندارد (۱۲)، البته ملاحظات سلامت عمدتاً در حوزه پیشگیری از بیماری‌ها و ملاحظات بهداشت عمدتاً در حوزه درمان است. به منظور طی مراحل تصفیه در ارتباط با شرکت‌های دارویی، در نظام حقوقی انگلستان از موضع آنسیترال در ارتباط با شرکت‌های فعال در حوزه درمان تبعیت شده است، به نحوی که بر طبق نگرش راهنمای قانونگذاری آنسیترال قوانین ورشکستگی تعدادی از کشورها (مانند ایران) به این سمت گرایش پیدا کرده‌اند که انواع دیگر از معاملات و اقدامات را در قلمرو معاملات باطل یا قابل ابطال بگنجانند (۱۳). برای نمونه می‌توان به معاملات ترجیحی و زیر قیمت و... اشاره کرد. در هر صورت معاملات و اقدامات دیگری نیز ممکن است توسط ورشکسته در جهت به تأخیرانداختن و پرداخت نکردن به بستانکاران انجام گیرد که باید توسط قانونگذار شناسایی و ممنوع اعلام گردد. برای مثال اعمالی همچون هبه و هدیه‌دادن و اعطا و پرداخت ویژه و فوق‌العاده به برخی بستانکاران باشد، با این تفسیر از نقطه نظر راهنمای قانونگذاری آنسیترال اگر معاملات و اقدامات مطروحه در محدوده ۳ ماه یا ۶ ماه (بسته به رویکرد قوانین) قبل از شروع پروسه دادرسی ورشکستگی نیز صورت گرفته باشد، همگی آن‌ها قابل ابطال می‌باشند، هرچند که مشابه چنین مواعیدی در قانون ایران ذکر نشده است و طرح آن به نظر ضروری است. اعمال دیگر ورشکسته نیز به همین‌گونه قابلیت ابطال را دارند (۱۴).

۲-۱. شروع فرآیند تصفیه: با توجه به اهمیتی که بخش سلامت و درمان برای کشور دارد، بدیهی است که شروع فرآیند تصفیه با نظارت دستگاه‌های متولی بهداشت و سلامت از جمله دانشگاه‌های علوم پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان‌های تابعه آن از جمله سازمان غذا و دارو آغاز می‌گردد. این امر به دلیل پیچیدگی موضوعات فعالیت شرکت‌های فعال در حوزه سلامت و درمان است. برای نمونه، در صورتی که تصفیه یک شرکت تجهیزات پزشکی باشد، بایستی یک ناظر از سوی اداره امور تجهیزات پزشکی

وزارت بهداشت بر روند تصفیه نظارت نماید (۱۵). با این حال، نظر به اینکه به صورت کلی در حقوق ایران تاریخ آغاز تصفیه به روشنی معین نشده است و در ارتباط با شرکت‌های فعال در حوزه سلامت و درمان نیز به همین نحو می‌باشد، اما طبق ماده ۲۰۶ لایحه شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می‌شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق مربوط به شرکت قید گردد. اشخاص حقوقی دارای بدایت و نهایت‌اند. روزی با تشکیل شخص حقوقی، شرکا بر انجام موضوع فعالیت شرکت اهتمام می‌ورزند و روز دیگر، عملیات موضوع اساسنامه پایان یافته و شرکت جز در موارد خاص حق انجام معاملات جدید ندارد (۱۶).

۲-۲. خاتمه تصفیه: مانند شروع فرآیند تصفیه که در قانون نیامده است، ختم آن نیز در قانون مشخص نشده است. امروزه ورشکستگی از مسائل مبتلا به شرکت‌های تجاری است. ورشکستگی به نوعی بیماری مسری است و طبیعتاً هر چقدر معاملات شرکت‌های تجاری بیشتر باشد. افراد بیشتری در صورت ورشکستگی شرکت متحمل ضرر خواهند شد، با توجه به این امر قانونگذار مهلت کوتاه سه روزه را جهت اعلام ورشکستگی شرکت‌های تجاری در ماده ۴۱۳ ق.ت مقرر نموده است. ورشکستگی در مفهوم دقیق از امور حسبی است. منتهی رویه حال حاضر دادگاه‌ها ورشکستگی را امری ترافعی می‌داند. صرف نظر از آثار حسبی یا ترافعی دانستن ورشکستگی که در این مختصر نمی‌گنجد. مطابق ماده ۴۱۵ ق.ت تقاضای ورشکستگی تاجر، از جمله شرکت‌های تجاری بر حسب اظهار خود تاجر، یک یا چند نفر از طلبکاران یا دادستان صورت خواهد گرفت. علیرغم لزوم تعیین مدت شرکت در اظهارنامه، طرح اساسنامه شرکت، طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام، ورقه تعهد سهم، اطلاعیه انتشار اوراق قرضه و ورقه قرضه اغلب شرکت‌های تجاری برای مدت نامحدود تشکیل می‌گردد. جواز این امر از مفهوم مخالف بند ۴ ماده ۱۷۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت برداشت می‌شود، اگرچه قانونگذار به صراحت زمان ختم تصفیه را تعیین نکرده است (۱۷). با توجه به مجموع

مقررات راجع به تصفیه چنین القا کرده است که ختم تصفیه زمانی است، مطالبات شرکت وصول شود و بدهی‌های آن به طلبکارانی که در دسترس‌اند، پرداخت گردیده و دارایی‌اش نقد شده است. اقدام نهایی مدیر تصفیه اعلام مراتب ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها جهت ثبت روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد، جهت انتشار می‌باشد که متعاقب آن نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجاری حذف خواهد گردید؛ بنابراین با اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تأدیه دیون شرکت مدیران باید ختم عملیات تصفیه را اعلام کنند، پس از اعلان این مرحله متصدیان تصفیه وظایف دیگری از قبیل تقسیم باقی‌مانده دارایی میان شرکا و یا تودیع وجوه دریافت نشده نزد یکی از بانک‌ها را بر عهده دارند. با انجام اعمال مذکور وظیفه متصدیان تصفیه پایان می‌یابد و امور شرکت در حال تصفیه به سرانجام می‌رسد و نام شرکت از دفتر ثبت تجاری حذف می‌گردد. با حذف نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجاری نیز شخصیت حقوقی شرکت از بین رفته و محو می‌شود که این زوال شخصیت در اشخاص حقیقی با مرگ تحقق می‌یابد (۱۸).

۲-۳. به جریان انداختن فرآیند تصفیه: با شروع فرآیند تصفیه از آنجایی که شخصیت حقوقی شرکت در حال تصفیه همچنان برقرار است، برخی اثرات را نیز در پی دارد، از جمله اینکه نام شرکت همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق ماده ۲۰۶ لایحه نام شرکت در طول تصفیه حفظ می‌گردد و پس از آن باید همه جا عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود. همچنین شرکت در طول تصفیه نشانی اقامتگاه خود را حفظ خواهد کرد. این امر به اشخاص ثالث این امکان را می‌دهد اشخاص ثالث بتوانند علیه او اقامه دعوا کنند (ماده ۲۰۷ لایحه) (۱۹).

با آغاز فرآیند تصفیه باید عملیات تصفیه نیز به جریان بیفتد که این امر از سوی مدیر یا اداره تصفیه شروع می‌شود. با توجه به این نکته که اداره‌ی تصفیه حافظ منافع و مصالح ورشکسته و بستانکاران وی می‌باشد. حال لازمه انجام این وظیفه آن

است که اداره‌ی مذکور یک اهرم حمایتی جهت رسیدن به این هدف داشته باشد و منتظر قطعیت حکم توقف نباشد تا با قطعیت آن بتواند شروع به کار نماید. ماده ۴۱۷ قانون تجارت نیز بیانگر همین مطلب است. در راستای رسیدن به این هدف اداره تصفیه اموال فاسدشدنی را قبل از قطعیت حکم می‌فروشد و نیز اموالی که هزینه‌های غیر متناسب برای ورشکسته و بستانکاران دارد را هم به فروش می‌رساند، در نتیجه مواد ۲۹ قانون تصفیه و ۴۴۵ قانون تجارت اختصاص به قبل از قطعیت حکم توقف دارد. در این مرحله قانونگذار در مواد (۲۹ قانون تصفیه و ۴۴۵ قانون تجارت) صریحاً اجازه فروش پاره‌ای از اموال را به اداره تصفیه داده است، اما در پاره‌ای از اموال تکلیف مشخص نشده است. ممکن است ورشکسته دارای اموال فاسدشدنی باشد، مانند تره‌بار، میوه و کالاهای خوراکی که تاریخ مصرف معین دارد و امثال آن‌ها که اگر فوراً برای فروش آن‌ها اقدام نشود، ضایع شده، در نتیجه قسمتی از دارایی ورشکسته از بین می‌رود. در اینجا اداره تصفیه موظف است فوراً و بدون اتلاف وقت و بدون انتظار جهت صدور قطعیت حکم، باید آن‌ها را به هر ترتیبی که صلاح می‌داند به فروش رسانده و از فاسدشدن آن‌ها جلوگیری به عمل آورد (ماده ۲۹ قانون تصفیه و ماده ۴۴۵ قانون تجارت). از ماده ۲۹ قانون تصفیه و ماده ۴۴۵ قانون تجارت که ضمن تعریف پاره‌ای از اموال ورشکسته اجازه فروش فوری و بدون تأخیر آن‌ها را به اداره تصفیه داده است، چنین استنباط می‌شود که فروش سایر اموالی که در قالب تعریف مذکور قرار ندارند، باید با تأخیر صورت بپذیرد. در واقع قانونگذار در راستای اجرای موقت حکم توقف و به خاطر حفاظت و حمایت از منافع ورشکسته و بستانکاران، اداره تصفیه اجازه داده که اقدام به فروش بدون تأخیر این اموال بنماید.

نگهداری برخی از اموال شرکت در حال تصفیه از سوی مدیر تصفیه و یا اداره تصفیه با کسر هزینه‌های نگهداری از دارای اموال شرکت صورت می‌گیرد. در صورت تمایل به فروش اموالی که حداقل قیمت دارد، مانند طلا نمی‌توان در فرآیند تصفیه کمتر از آن قیمت به فروش برسد. اجرای موقت تصفیه

باید با لحاظ غبطه بستانکاران صورت گیرد. بدیهی است قبل از قطعیت حکم ورشکستگی می‌توان اموالی را که احتمال تضییع یا تلف یا تقلیل بهای آن می‌رود، طبق مقررات مربوط به رعایت صرفه و غبطه ورشکسته و بستانکاران فروخت و همچنین قبل از قطعیت حکم ورشکستگی در صورتی که ورشکسته با فروش اموال خود موافق باشد، می‌توان آن‌ها را فروخت و این معنی در مورد اموال غیر منقول به هیچ وجه با ماده ۲۲ ق.ت. منافات ندارد.

در تصفیه باید اموال شرکت سهامی را به دو دسته منقول و غیر منقول تقسیم نمود. اموال منقول طبق دستور ماده ۴۲ قانون تصفیه از طریق حراج به فروش رسانده می‌شود. این اموال معمولاً شامل کالا، لوازم دفتری، اتومبیل، تلفن و اثاثیه منزل ورشکسته می‌باشد. طبق روشی متداول در اداره تصفیه، معمولاً در ابتدا ارزیابی مال مورد فروش از طریق جلب نظر کارشناسان رسمی دادگستری مبادرت می‌شود. بعد از موافقت رییس اداره، متصدی پرونده به دایره تأمین اموال دستور می‌دهد تا در معیت کارشناس نسبت به ارزیابی مال مورد فروش اقدام و نتیجه را گزارش نماید. پس از ارزیابی مال مورد فروش، متصدی پرونده گزارشی از ارزیابی به عمل‌آمده به ریاست اداره تصفیه تقدیم می‌کند تا در صورت موافقت وی نسبت به انتشار آگهی حراج اقدام شود. برای فروش اموال منقول ابتدا اداره تصفیه شرایط فروش را در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌نماید. این اعلام لااقل ۱۰ روز قبل از تاریخ حراج به عمل می‌آید و در دفتر اداره نیز در دسترس عموم گذارده می‌شود تا چنانچه کسب اطلاعات بیشتری در مورد آن‌ها ضروری باشد، اشخاص ذی‌نفع بتوانند توضیحات لازم را از متصدی امر دریافت دارند. در آگهی مزبور، محل، روز و ساعت حراج قید خواهد شد (ماده ۴۱ قانون تصفیه). این اموال نیز مانند اموال منقول، پس از ارزیابی کارشناس رسمی به مزایده گذارده می‌شود. فروش اموال غیر منقول از طریق مزایده احتیاج به انتشار آگهی دارد. این آگهی باید حداقل یک ماه قبل از تاریخ آن جام مزایده انتشار یابد و طبق دستور ذیل ماده ۴۱ قانون تصفیه برای بستانکارانی که حق وثیقه نسبت

به آن مال غیر منقول دارند، نسخه‌ای از آگهی فرستاده می‌شود و ارزیابی به عمل آمده به آن‌ها اعلام می‌شود تا در صورت تمایل، پیشنهاد لازم را ارائه بدهند (۲۰). در آگهی مربوط به فروش مال غیر منقول مشخصات کامل مال و قیمت ارزیابی شده و همچنین کلیه شرایط لازم برای فروش قید می‌شود تا خریداران دچار اشکال و ابهامی نگردند. به علاوه در دفتر اداره نیز نسخه این آگهی در دسترس عموم قرار داده می‌شود تا در صورت مراجعه متقاضیان اطلاعات لازم در اختیار آن‌ها قرار گیرد و در صورت لزوم مال به آن‌ها معرفی می‌شود، به علاوه مطابق ماده ۴۹ آیین‌نامه قانون تصفیه، کسانی که می‌خواهند در مزایده شرکت کنند باید بهای مال غیر منقول ارزیابی‌شده را به صندوق اداره تصفیه تا روزی که برای مزایده مقرر شده بپردازند. برای این منظور معمولاً در آگهی مزایده مبالغی را به تناسب مورد، به عنوان سپرده تعیین و ضمن تعیین بانک و شماره حسابداری که مبلغ موصوف باید در آنجا واریز شود، به پیشنهاددهندگان اخطار می‌کنند که رسید وجه واریز شده را به پیوست پیشنهاد خود به اداره تصفیه در پاکت لاک و مهر شده ارسال دارند. غرض از عمل مذکور این است که چنانچه پیشنهاددهنده پس از پایان مزایده حاضر به انجام معامله نگردد، اداره تصفیه وثیقه‌ای در دست داشته باشد تا با استفاده از آن کلیه خسارات وارده از قبیل کسر قیمت مال و مخارج تمدید مزایده را از آن برداشت بنماید. اگر معامله انجام شد مبلغ سپرده جزء ثمن معامله حساب می‌گردد و در صورتی که پیشنهاددهنده برنده شناخته نشود و یا به عللی که مربوط به او نبوده، معامله واقع نگردد به او مسترد می‌گردد. اگر در جلسه مزایده، پیشنهادی از طرف خریداران برابر بهای ارزیابی‌شده از ظاهر ماده ۴۲ قانون تصفیه چنین برمی‌آید که این اموال به کسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد می‌کنند، فروخته خواهد شد، هرچند که این پیشنهاد برابر با بهای کارشناسی نباشد (۲۱).

۴-۲. توافق در خصوص تصفیه: به نظر می‌رسد که در ارتباط با شرکت‌های فعال در حوزه سلامت و درمان، بایستی در ارتباط با توافق در خصوص تصفیه میان تصفیه ارادی و

تصفیه قانونی قائل به تفکیک شد. این بدان معناست که در زمینه شرکت‌های فعال مزبور، در صورتی که تصفیه به صورت ارادی صورت بگیرد، امکان توافق در خصوص تصفیه وجود دارد؛ با این حال، در صورتی که تصفیه به صورت قانونی صورت پذیرد، امکان این چنین توافقاتی وجود ندارد، چراکه تصفیه در این موارد به حکم قانون صورت می‌پذیرد و اصولاً هیچ‌گونه توافقی به ویژه در ارتباط با شرکت‌های سلامت و درمانی که با بهداشت عمومی در ارتباط هستند، نمی‌توان قائل شد. در خصوص نحوه تصفیه لازم است که طرفین با هم توافقاتی داشته باشند، زیرا در این صورت روند تصفیه با سهولت و سرعت بیشتری انجام می‌گیرد.

با شروع عملیات تصفیه نمی‌توان شخصیت حقوقی شرکت را خاتمه‌یافته دانست، زیرا شرکت هنوز دارای شخصیت حقوقی است و می‌تواند در راستای تصفیه توافقاتی انجام دهد، اگرچه قانون تجارت به صراحت مقرر نکرده است که شخصیت حقوقی شرکت در زمان تصفیه باقی خواهد ماند. از مواد این قانون می‌توان وجود شخصیت حقوقی شرکت را استنتاج کرد. برای مثال در ماده ۲۰۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت این نظریه را پذیرفته و به صراحت اعلام می‌دارد که شخصیت حقوقی شرکت تا خاتمه امر تصفیه جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهند ماند؛ بنابراین هرگاه انحلال شرکت آغاز شد، این شرکت می‌تواند مقدمه‌ای برای پایان شخصیت حقوقی باشد نه اینکه شخصیت حقوقی آن را زائل کند و به آن پایان دهد. با وجود آنکه ادامه شخصیت حقوقی شرکت در زمان تصفیه از مواد مذکور استنباط می‌شود، به نظر می‌رسد که بهتر است قانونگذار این امر را که در مورد شرکت‌های سهامی عام و خاص به موجب ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت پذیرفته است، در مورد کلیه شرکت‌های تجاری به صراحت مقرر کند (۲۲).

در حال حاضر وقتی که یک تاجر، ورشکسته اعلام می‌شود دو راهکار قانونی قابل اجراست: یا اینکه حکم ورشکستگی صادره علیه تاجر متوقف به اجرا درآمده و تبعاً دارایی وی تصفیه و میان دیان او و غرما تقسیم می‌شود و یا اینکه دیان و مدیون متوقف با یکدیگر مصالحه کرده و به طور محترمانه به تصفیه و

حل و فصل حساب‌های خود مبادرت می‌ورزند که همان استفاده و پیروی از راهکار قانونی قرارداد ارفاقی باشد (۲۳).

با توجه به اینکه جریان پیگیری تصفیه امور ورشکسته طولانی و پرهزینه است، بستنکاران در موارد بسیاری ناگزیر از انعقاد قرارداد ارفاقی دوستانه به جای تشکیل قرارداد ارفاقی رسمی هستند. از قرارداد ارفاقی دوستانه در قانون تجارت کنونی سخنی در تأیید یا رد آن به میان نیامده است، ولی با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی، این عدم صراحت به معنای ممنوعیت این‌گونه قرارداد نیست، قرارداد ارفاقی مطروحه در قانون تجارت قرارداد رسمی است که پس از صدور حکم ورشکستگی و اعلام آن قبل از تصفیه امور ورشکسته با رعایت شرایط انعقاد آن و به دعوت عضو ناظر همان‌گونه که در ماده ۴۷۶ به بعد قانون تجارت آمده است، منعقد می‌گردد؛ لازم به ذکر است که برخلاف قانون فعلی تجارت ایران در ماده ۸۸۳ لایحه جدید تجاری از قرارداد ارفاقی پیشگیرانه مباحثی عنوان شده است که در نگاه اول به نوعی تداعی‌کننده قرارداد ارفاقی دوستانه می‌باشد. راهنمای قانونگذاری آنسیترا ل در مبحث سازوکارهایی برای حل و فصل مشکلات مالی بدهکار از مذاکرات داوطلبانه جهت بازسازی وضعیت ورشکسته چنین بیان می‌دارد که: «مذاکرات داوطلبانه خارج از قلمرو تصفیه و بازسازی و به عبارت دیگر خارج از قلمرو قانون ورشکستگی مفروض و به گونه‌ای روزافزون در حال گسترش و جایگزینی به جای دخالت طولانی و درازمدت محکمه و قانون است. راهنمای آنسیترا ل به هیچ وجه پیشنهاد نمی‌کند که با گنجاندن واژه نظارت دادگاه بر این قرارداد باعث خروج این قرارداد از شمول داوطلبانه و دوستانه‌بودن شود، زیرا این قرارداد در شرایط قبل از رسیدگی و دادرسی ماهوی به ورشکستگی است و جا دارد بیشتر مورد توجه قرار گیرد» (۲۴).

برخی از حقوقدانان ماهیت قرارداد ارفاقی را تصمیم قضایی می‌دانند و معتقدند که علیرغم توافق بین طلبکاران با ورشکسته، مادامی که تصدیق دادگاه صورت نپذیرد، قرارداد ارفاقی اثری نخواهد داشت و آنچه قرارداد ارفاقی را به وجود

می‌آورد، تصمیم دادگاه است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه انعقاد قرارداد ارفاقی نیازمند توافق تاجر ورشکسته با گروهی از طلبکاران بوده، ماهیت این نهاد ارفاقی قراردادی است. توضیح اینکه تصدیق دادگاه بیشتر جنبه تشریفاتی دارد و مربوط به مرحله اجرا و اثرگذاری قرارداد است و دادگاه در انعقاد قرارداد نقشی نداشته، بلکه صرفاً وظیفه نظارت بر رعایت تشریفات خاص در انعقاد قرارداد ارفاقی و رعایت حقوق غرما را بر عهده دارد (۲۵).

در حقوق انگلستان اگر تصفیه به دلیل ورشکستگی باشد، باید به تأیید دادگاه برسد، ولی اگر در اثر اراده مجمع باشد، نیازی به تأیید دادگاه نیست. در حقوق انگلستان ورشکستگی، باید به موجب حکم دادگاه اعلام گردد و دعوای ورشکستگی با تقدیم یک دادخواست ورشکستگی شروع می‌شود و این دادخواست نیز ممکن است توسط یک یا چند نفر از دیان مدیون متوقف و یا خود مدیون متوقف، وکیل ورشکستگی که مسئولیت نظارت بر اجرای قرارداد ارفاقی یا هر ترتیب خصوصی دیگر میان مدیون و دیان وی را بر عهده دارد و نیز هر فرد دیگری که ملزم به مفاد قرارداد ارفاقی گردیده است، اقامه گردد؛ بنابراین انعقاد قرارداد ارفاقی نیز مانع از تقاضا و صدور حکم ورشکستگی علیه مدیون متوقف نیست، البته در مورد اخیر باید متقاضی در دادخواست خود قید کند و نیز اثبات نماید که مدیون از مفاد و شرایط قرارداد ارفاقی منعقد میان وی و دیانش قصور ورزیده است و یا اینکه مدیون مزبور یکسری اطلاعات و گزارش مخدوش و گمراه‌کننده و غلط در ارتباط با طرح پیشنهادی موضوع قرارداد ارفاقی ارائه نموده است و یا آن چیزی را که به طور معقول ناظر اجرای قرارداد ارفاقی از بدهکار خواسته، او از اجرای خواسته‌های منطقی سر باز زده و یا اینکه اسناد و مدارک تحویلی وی مخدوش و متقلبانه بوده است. در این موارد ناظر اجرای قرارداد ارفاقی حق دارد که دادخواست ورشکستگی علیه مدیون ارفاقی را به دادگاه بدهد و نیز نماینده داستان عمومی تحت شرایط قانون صلاحیت دادگاه‌های کیفری مصوب ۱۹۷۳ می‌تواند دادخواست ورشکستگی علیه بدهکار متوقف را به دادگاه صالح ارائه نماید (۱۳).

قرارداد ارفاقی در حقوق انگلستان برخلاف حقوق ایران نیازی به تأیید دادگاه ندارد و محکمه صرفاً نقش یک ناظر بر حسن اجرای قرارداد را ایفا می‌نماید. مواد ۴۸۷ و ۴۸۹ (ق.ت) صراحتاً تصدیق قرارداد ارفاقی را به نظر محکمه واگذار نموده است، همچنانکه راهنمای آنسیترال دو دیدگاه مختلف را بیان می‌دارد، دیدگاه اول مانند حقوق ایران برای تأثیرپذیری و التزام‌آوردن قرارداد تأیید و تصدیق دادگاه به عنوان مرجع صلاحیت‌دار را لازمه تحکیم و نفوذ قرارداد ارفاقی منظور داشته است. در مقابل نظام‌های حقوقی دیگری مانند انگلستان هستند که توافق اکثریت لازم از کمیته بستانکاران را برای تأیید قرارداد بازسازی کافی می‌دانند، ولی دادگاه در سیستم قضایی این کشورها هنوز هم نقش یک ناظر را ایفا می‌نماید و این نظارت در جایی اهمیت پیدا می‌کند که مدیون ورشکسته از ایفای مفاد قرارداد سرپیچی نماید و در این حالت دادگاه به عنوان ناظر بی‌طرف ورود پیدا می‌کند حقوق انگلستان بستانکاران را در اولویت قرار داده و نظریه آن‌ها را بدون تأیید دادگاه می‌پذیرد (۱).

در حقوق انگلستان دو نوع قرارداد ارفاقی تحت عنوان کلی به چشم می‌خورد. یک نوع قرارداد ارفاقی که پیش از صدور حکم ورشکستگی اشخاص حقیقی متوقف و یا صدور حکم تصفیه اموال شرکت متوقف و برای جلوگیری از تصفیه و انحلال شرکت منعقد می‌تواند شود که از این طریق دیان برای رفع مشکلات مالی شرکت و فرد متوقف، پرداخت بدهی‌های متوقف را برای مدتی معلق می‌نمایند و به تعویق می‌اندازند که این نوع از قرارداد ارفاقی به قرارداد ارفاقی دوستانه یا مصالحه‌جویانه و یا به عبارتی رساتر به قرارداد ارفاقی پیشگیرانه موسوم می‌باشد و این نوع از قرارداد ارفاقی نسبت به قرارداد ارفاقی پس از صدور حکم ورشکستگی و یا حکم تصفیه متوقف ارجح به نظر می‌رسد، به این دلیل که در صورت تحقق مانع رسیدگی و صدور حکم ورشکستگی و حکم تصفیه و انحلال متوقف خواهد بود و نتیجتاً از تاجر سلب اعتبار و حیثیت بازرگانی به عمل نمی‌آید. قرارداد ارفاقی نوع دوم که پس از صدور حکم ورشکستگی بدهکار متوقف و یا صدور حکم تصفیه و انحلال شرکت متوقف منعقد می‌گردد و

با تصفیه طلبکاران و تصدیق دادگاه از اجرای حکم ورشکستگی و تصفیه اموال و دارایی فرد مدیون متوقف و یا تصفیه و انحلال شرکت متوقف جلوگیری می‌گردد. در این مورد مدیر تصفیه خود می‌تواند رأساً پیشنهاد انعقاد قرارداد ارفاقی رسمی را به دیان بدهد که در این صورت اگر تصویب شود فرآیند تصفیه متوقف می‌گردد (ماده ۱ قانون توقف و ورشکستگی ۱۹۸۶ انگلستان) (ماده ۴۲۷ قانون شرکت‌های تجاری ۱۹۸۵ انگلستان) (۲۵).

نتیجه‌گیری

منظور از ملاحظات سلامت و بهداشت، ملاحظاتی هستند که به یکی از حوزه‌های ارائه خدمات سلامت و بهداشت از سوی شرکت‌ها مربوط می‌شوند. این خدمات می‌توانند مباحث مربوط به پیشگیری از بیماری‌ها، درمان بیماری‌ها، خدمات درمان‌های سرپایی، خدمات جراحی، خدمات مطب، خدمات مربوط به ارائه تجهیزات پزشکی، خدمات بهیاری، خدمات پیراپزشکی و خدمات مراقبت از بیماران در درون خانواده شود، البته امروزه با پیشرفت و توسعه فناوری‌ها، حوزه‌های جدیدی به ملاحظات سلامت و بهداشت افزوده شده‌اند که از زمره آن می‌توان به حوزه‌های ارائه خدمات فناوری‌های پزشکی، حوزه‌های مربوط به هوش مصنوعی ناظر بر مباحث پزشکی و درمانی اشاره نمود. ملاحظات مربوط به سلامت و بهداشت به دو صورت عمده می‌توانند بر روند تصفیه شرکت‌ها به ویژه شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات پزشکی و سلامت تأثیرگذار باشند: اولاً در حوزه انحلال ارادی؛ ثانیاً انحلال قهری. در مورد انحلال ارادی، تأثیرگذاری ملاحظات سلامت و بهداشت بر شرکت‌ها بدین‌صورت است که یا مؤسسين یا صاحبان سهام نمی‌توانند الزامات قانونی که در زمینه افزایش یا کاهش سرمایه شرکت‌های پزشکی و دارویی را تأمین نمایند یا اینکه به ارائه خدمات نامطلوب سلامت می‌پردازند که انحلال ارادی می‌شوند. شرکت‌های تجاری نبض اقتصادی کشورها بوده و رشد تولد و انحلال آن‌ها بر منافع اقتصادی کشورها و جهان نقش مهمی دارد. انحلال شرکت‌های تجاری سهمی می‌تواند به علل مختلفی رخ داده و اثرات متفاوتی در نظام حقوقی

کمک می‌نماید که این امر نسبت به حقوق ایران دارای مزیت می‌باشد. کلیه اموال شرکت باید به فروش رسانده و مدیون بستانکاران را تصفیه و سپس میان شرکا تقسیم نماید که از این منظر حقوق ایران و انگلستان دارای شباهت می‌باشند.

مشارکت نویسندگان

محمدعلی احمدی‌پور: نگارش، جمع‌آوری مطالب و اصلاحات.
ستار زرکلام: نگارش، نظارت بر مطالب جمع‌آوری.
حیدر حسن‌زاده: نظارت بر نگارش و اصلاحات.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان اظهار می‌دارند که هیچ‌گونه استفاده‌ای از هوش مصنوعی در زمینه نگارش مطالب، صورت نپذیرفته است.

ایران و انگلستان برای شرکت، بستانکاران و سهام‌داران در پی داشته باشد. انحلال یک شرکت سهامی به معنای آغاز از بین‌رفتن یک شخصیت حقوقی می‌باشد که می‌تواند شامل تصفیه بوده یا بدون تصفیه همراه باشد. تصفیه شرکت‌های سهامی می‌تواند به صورت ارادی و اجباری صورت گیرد. تصفیه ارادی زمانی رخ می‌دهد که تصفیه در اساسنامه شرکت قید شده یا اینکه مجمع عمومی فوق‌العاده آن را تأیید نماید. در مقابل اگر تصفیه به وسیله حکم دادگاه باشد، آن را تصفیه اجباری می‌دانند که در هر دو نظام حقوقی انگلستان و ایران وجود دارد. با این تفاوت که در حقوق انگلستان تصفیه ارادی نسبت به تصفیه اجباری اهمیت بیشتری دارد و در فرآیند تصفیه اجباری نیز جایگاه اراده سهام‌داران به چشم خورده است. دادگاه در این کشور در تصفیه نقش ناظر را داشته که در صورت مشاهده هرگونه تخلف می‌تواند وارد عمل شود، لکن در حقوق ایران دادگاه باید بیشتر امور مرتبط با تصفیه را تأیید نموده تا نفوذ حقوقی پیدا نماید که این امر یکی از ضعف‌های نظام حقوقی ایران نیز به شمار می‌رود.

مدیر تصفیه می‌تواند به وسیله اساسنامه، مجمع عمومی فوق‌العاده یا دادگاه انتخاب شود که در این زمینه حقوق ایران و انگلستان با هم تفاوتی نداشته‌اند. با گزینش مدیر تصفیه عملیات تصفیه آغاز می‌گردد. مدیر تصفیه باید عملیات تصفیه را آغاز نموده و به بررسی اموال و دارایی شرکت پرداخته و صورت‌حسابی از دارایی مثبت و منفی شرکت تهیه نماید. در حقوق انگلستان مدیر تصفیه ملزم است که در مدت زمان معلوم گزارش دقیقی از وضعیت شرکت تهیه و تلاش نماید که در ابتدا بستانکاران را به شیوه‌های بازسازی ترغیب کنند. انگلستان شیوه‌های مختلف برای بازسازی در قانون پیش‌بینی نموده که از مدیر تصفیه می‌خواهد آن را با توجه به شرایط شرکت بررسی کرده و بهترین راه برای بازسازی شرکت را پیشنهاد نمایند.

مدیر تصفیه در حقوق انگلستان لازم است که از کلیه اعمالی که انجام می‌دهد، یک نسخه تهیه کرده و برای کلیه بستانکاران ارسال نماید. این امر به شفاف‌سازی بیشتر فرآیند تصفیه

References

1. Eskini R. Comparative Commercial Law: Cheque, Promissory Note and Bill of Exchange in Iranian, French and English Law. Tehran: Majd Publications; 2023.[Persian]
2. Eskini R. Commercial Law IV: Bankruptcy and Liquidation of Bankrupt Entities. Tehran: Samt Publications; 2023. [Persian]
3. Eskini R. Commercial Law: General Principles, Commercial Transactions, Merchants and Business Organization. 35th ed. Tehran: Samt Publications; 2023. [Persian]
4. Azami Zangeneh A. Commercial Law. 1st ed. Tehran: Majd Publications; 1985. [Persian]
5. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. 51th ed. Tehran: Gangbaksh Publications; 2007. Vol.15. [Persian]
6. Esmaeili Herisi E. General Principles of Contracts. 1st ed. Tehran: Jangal Publications; 2008. [Persian]
7. Rastin M. Criminal Regulations of Commercial Law. 2nd ed. Tehran: Faculty of Administrative Sciences Publications; 2008. [Persian]
8. Saghari M. Commercial Law of Bankruptcy. 1st ed. Tehran: Majd Publications; 2022. [Persian]
9. Jaberi Arbablu M. A Jurisprudential Investigation of the Legal Basis of Detention. Tehran University Law Journal. 2018; 53-54: 79-100. [Persian]
10. Jafari J and Malekzad V. Powers of the Liquidator in Commercial Companies: A Legislative Approach in the New Draft Commercial Law. Tehran: 2nd International Conference on Jurisprudence, Law, Advocacy and Social Sciences; 2018. p.1-14. [Persian]
11. Jalali SM, Shayesteh N. The Impact of Claim Transfer in Civil Procedure with Emphasis on Bankruptcy. International Legal Research Scientific Quarterly. 2013; 5(18): 23-58. [Persian]
12. Khosravi Fard Shirazi R. Types of Dissolution of Commercial Companies and Modern Methods in the Iranian Legal System. Tehran: 4th International and National Conference on Management, Accounting and Legal Studies; 2022. Vol.2 p.1-20. [Persian]
13. Rahmani A. A comparative study of the principles of the majority rule in joint-stock companies: English and Iranian law. Legal Research Quarterly. 2009; 12(50): 453-496. [Persian]
14. Rahimzadeh Meybodi H, Mojahhed A. A Comparative Approach to the Scheme of Arrangement in Iranian, British and French Law. Legal Civilization. 2021; 4(8): 249-267. [Persian]
15. Razman A. Status of Prohibited Transactions in the Iranian Legal System. Qanun-Yar. 2017; 2: 173-196. [Persian]
16. Razavi SA, Razavi SM, Pasban MR. The Legal Nature of Merger of Companies; A Comparative Study in Imamiyah Jurisprudence, Iranian and Egyptian Law. Teachings of Civil Jurisprudence. 2019; 11(19): 3-32. [Persian]
17. Roshan M, Amirhosseini A. Prevention of Bankruptcy in Iran's Legal System and its Position in Imāmiyya Jurisprudence with a Glance at French law. Islamic Jurisprudence and Legal Foundations. 2017; 50(1): 87-104. [Persian]
18. Zare' A, Asheri M. Practical Procedure of the Liquidation Office in the Sale of Assets. Azad Legal Research. 2013; 6(19): 57-76. [Persian]
19. Elsan M, Moradi A, Isari M. Third-party protection through the relative nullity in bankrupt merchant contracts. Journal of Islamic Law & Jurisprudence. 2023; 15(31): 5-32. [Persian]
20. Sadeghpour MJ, Saeedi M. Comparative Study of confession of insolvent to the visible property and debt in Iran Law and Imamiyah Jurisprudence. Academic Journal of Knowledge and Research of Law. 2014; 3(2): 47-74. [Persian]
21. Sadeghi Neshat A. The Legal Nature of Civil and Commercial Companies. Research and Development in Comparative Law. 2018; 1(1): 235-245. [Persian]
22. Salehyfar AR, Rostami M. Liability of Public Limited Companies Inspectors and Auditors in Iran and United Kingdom. ILR. 2020; 1(3): 32-48. [Persian]
23. Liu J, Wilson N. Corporate failure rates and the impact of the 1986 insolvency act: An econometric analysis. International Quarterly on Commercial Law. 2019; 28(6): 61-71.
24. Waren L, Westbrook JL, Porter K, Pottow J. Law of Debtors and Creditors: Text, Cases and Problems. 7th ed. Alphen aan den Rijn Wolters Kluwer Law & Business; 2017.
25. Webste P, Boyer R, Lauren D. Practical Bankruptcy Law for Paralegal. 3rd ed. London: Cengage Learning; 2004.